



بمناسبت سی و پنجمین سالگرد شهادت محمدطاهر بدخشی

نوشته : قوت "نیرو"

بنام خداوند بزرگ و دادگر

## محمد طاهر بدخشی و اسماعیلیان

اسماعیلیان افغانستان بخشی از اقلیت های قومی و مذهبی از سیاست های برتری جویی ، قبیله گرایی انحصارطلبی ، بیعدالتی و تبعیض – هم از بابت سلب هویت و هم از منظر تبعیض مذهبی- همواره رنج و عذاب مضاعف را تجربه کرده اند.

سلب هویت : بدان معنی که اسماعیلیان با وجود پیرو یک طریقه و کیش واحد، با نام و نشان و فرهنگ خاص خود ، تفاوت های نسبی با دیگران دارند که میبایست بانام و هویت های مشخص شان در پهلوی سایر اقوام و ملیت های برادر، در قوانین اساسی قبلی تسجیل و رسمیت داده میشدند، که نشدند و تحت نام و هویت دیگر ملیت ها پنهان و سرگردان باقی ماندند.

تبعیض مذهبی : اسماعیلیان باتفسیرو تأویل و برداشت خود از دین مقدس اسلام ، برسمیت شناختن هویت مذهبی خود را از جمله حقوق اساسی خود میپندارند و خواستار این بودند و هستند که باید بعنوان یک مذهب و طریقه در دین مقدس اسلام در قوانین نافذ کشور برای اجراء و برپاداری مراسم و مناسک مذهبی خویش ضمانت اجرایی داشته باشند، که نه تنها حمایه قانونی حاصل نکردند ، برعکس از تحمیل سیاستهای تفرقه افکنانه و اعمال سیاستهای منسوخ قرار دادن و محو و نابود سازی در رژیمهای پیشین، پیروان این مذهب رنج های فراوان را متحمل شدند. این سیاست منسوخ سازی و محو سازی، فرصت را به متعصبین مذهبی مهیا ساخت تا با همان تاپه و مهر از پیش آماده شده چون (مشرک ، ملحد ، کفرو غلات) در موارد و مواقع مختلف بر شخصیت ها و آدم های با نفوذ پیروان این طریقه برچسپ زنند. این اتهامات را بدان سبب انجام میدادند تا از یکطرف مانع کار آنها و از جانب دیگر سبب رعب و ترس سایر پیروان گردند. در چنین فضاء و حالتی ، فریاد ( محمد طاهر بدخشی) و یارانش برای از بین بردن هر گونه تبعیض، تفوق طلبی، برتری جویی و بیعدالتی و مبارزه برای تساوی حقوق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی میان اقوام و ملیت ها بعنوان پیش شرط های همبستگی و وحدت ملی در کشور، فردای روشنی را به اقوام و ملیت ها منجمله ( اسماعیلیان) نوید داد.

( بدخشی) که خود شاهد ظلم و ستم ، بیعدالتی و حق تلفی در برابر اقوام وملیت ها منجمله اسماعیلیان بود ، اولاً بتحقیق و مطالعه عمیق در مورد این طریقه پرداخت و با وجود منع بودن فروش کتب در مورد اسماعیلیان او کتابها و اسناد حاوی معلومات مفید در این مورد را در کتابخانه شخصی اش جمع آوری مینمود. بدخشی جنبش اسماعیلیان را جنبش حق طلبانه و مترقی میخواند و مطالعه کتاب در این مورد را بدیگران نیز توصیه مینمود. استاد ( کرم علیشاه ) یکی از اولین یاران سیاسی اش میگویند : وقتیکه بدیدن ( بدخشی ) صاحب در منزلش میرفتیم، او بعوض توصیه نمودن مطالعه کتب سیاسی ، کتاب هایی چون : سفرنامه ، وجه دین، زادالمسافرین اثار ناصر خسرو، شاهین سپید ، حسن صباح و " شمه ی از جنبش اسماعیلیان" نوشته احسان طبری را بما غرض مطالعه تحویل میداد و روز امتحان دهی را نیز خودش مشخص میکرد.

بدخشی با داخل شدن در بین اقوام محروم و با شریک شدن در مشکلات آنها، با آنها یکجا مبارزه میکرد. درینجا دو نمونه ی را مختصراً توضیح میدارم که چگونه دو پیرو این طریقه ، یکی از بدخشان و دیگری از بغلان در دام های تنیده همان سیاست تفرقه افکنانه، دسیسه و توطئه ، ابطال و محوسازی گیرمانده بودند و ( بدخشی ) کمک و همکاری های اخلاقی و اسلامی اش را به آنها انجام داد :

1 - در سال 1319 خورشیدی، بموجب امریه ( محمد گل مومند) وزیر داخله وقت، مولوی ( امیرمحمد) برای منسوخ سازی مذهب اسماعیلیه بشغنان فرستاده شد. او مدت (پازده ماه) در آن منطقه تبلیغ مذهبی نمود و سپس مناظره ای را برای ابطال و منسوخ سازی مذهب اسماعیلیه براه انداخت و اعلان نمود : هر آنکسی که مسلمان بودن ( اسماعیلیان) را ثابت سازد وارد میدان شود! ( عدیم) و برادر کلانش سلطان سعید در مناظره اشتراک و باستناد آیات از قرآنکریم ، احادیث و رویداد های تاریخی اوایل اسلام، الحمدالله مسلمان بودن ( اسماعیلیان) را اثبات و مولوی را تفرقه افکن معرفی کردند. مولوی شغنان را ترک گفت ، اما بعد از سپری شدن دو ماه نظر بامر ( محمد گل مومند) سیدزمان الدین عدیم شغنانی بعنوان محرک اغتشاش بمحکمه معرفی گردید. بعد از گذشت نه ماه سرگردانی ، محکمه ابتدائیه فیض آباد، راپور مولوی امیرمحمد را افتراء و ( عدیم) را بری الزمه شناخت .

مجدداً ( عدیم) بموجب شعر ذیل:

گراز ماخرقه و تسبیح، تزویروریا باشد  
ازین زهد ریا ز نار رندی باده پیمای به  
که باستقبال این غزل میرزا عبدالقادر بیدل:

زچین ابروی این ناخدایان موج دریا به  
اگر حاجت روا خلق اند مردن در تمنا به  
سروده و در روزنامه فیض آباد نشرگردیده بود، بار دیگر تاپه ( شرک، کفر و الحاد) را خورد  
و بمحکمه معرفی گردید. با وجود اعتراض برخی از علمای بدخشان و جمعیت العلمای کابل، بمدت دو سال حبس تنفیذی و تبعید عمری با خانواده اش محکوم شد. عدیم که مدت دو سال حبس را در محبس فیض آباد سپری کرده بود؛ بعد از رهایی در صدد رفع تبعیدش برآمد و سرنوشتش بکابل کشید. در کابل با روشنفکران مختلف از جمله با بدخشی معرفت حاصل نمود. بدخشی برای رفع مجازات(تبعیدش) تلاش ها کرد و با شخصیت های مختلف چون : استاد خلیل الله خلیلی، سید شمس

الدین خان مجروح و دیگران دیدارها نموده و بهمکاری مستقیم مرحوم ( سید شمس الدین خان مجروح) که سمت وزارت عدلیه را بعهدہ داشت از عدیم رفع مجازات نمود.

2- در دورہ حکمروایی ( ظاهرشاه) یک نزاع و دعوی قومی میان ( منو چهر) و پسران کاکایش ( سیدمنصور نادری و برادرانش) در بغلان بوقوع پیوست. در ابتداء این قضیہ یک قضیہ حقوقی خوانده شدہ بود؛ ولی بعد از اعزام ہیئت تحقیق باترکیب ( جنرال سعدالله، تاج محمد مفتی محمود) از کابل، قضیہ شکل جزایی بخود میگیرد و بمحکمہ جزایی در کابل محول میشود، بعد از دوسال و هشت ماه تحقیق و بررسی ظاهراً منجر برہایی سید منصور نادری و برادرانش میگردد.

بہمینگونہ در سال 1356 خورشیدی در زمان حاکمیت (محمد داود) ( سید شاه ناصر نادری) باتهام سیاسی و ( سید منصور، سید نورالدین رونق، سیدگوہر و سیدعبدالقادر) برادرانش در قضیہ قبلی زمان ( ظاهر شاه) بہ اضافه اتهامات متعدد دیگر دستگیر و در محبس دہمزننگ کابل تحت توقیف قرار گرفتند درین زمان ( محمد طاهر بدخشی، محمد بشیر بغلانی، جمشید خاوری و چند تن دیگر از یاران بدخشی) نیز در محبس دہمزننگ زندانی بودند. بدخشی کہ از دعوای دو خانوادہ ی از یک درخت و ہمیشہ آگاهی داشت، نزاع و دعوی ذات البینی ایشان را تأسف آور خواند و خواهان حل عادلانہ قضیہ با قناعت طرفین گردید و اتهامات جرایم جنایی را نیز در صورت اثبات مستوجب مجازات پنداشت. اما اینبار اتهامات ( سید منصور نادری و برادرانش) چہرہ مذہبی را بخود گرفته بود. متعصبین مذہبی، تفرقہ افگنان و تبعیض پسندان از فرصت استفادہ نمودہ و تاپہ های ( شرک، کفر، کج دینی، غلات و غیرہ) را برآنها وارد نمودند.

زندہ یاد محمدطاهر بدخشی کہ سیاست منسوخ و باطل سازی مذہب اسماعیلیان را در چندین مورد دیگر نیز شاهد بود، بدفاع و حمایہ از ( سید منصور نادری و برادرانش) پرداخت. زیرا مفتی محمد کوهستانی و آقای عبدالوکیل خان "صداقت" وکلای مدافع، از ترس مقامات دولتی موضوع وکالت آنها را نپذیرفتند و از حاضر شدن در محکمہ بعنوان وکیل مدافع اجتناب ورزیدند. ولی بدخشی و بغلانی از داخل محبس با قبول ہمہ خطرات و نتایج احتمالی آن بترتیب دفاعیہ و رد اتهامات وارده دکتور محمد امین "ہایل" رئیس دادستان ولایت کابل در محکمہ مربوطہ پرداختند. دادستان برای سید منصور نادری جزای اعدام و در مورد برادرانش برای ہر واحد شان حبس ابد از محکمہ طالب مجازات گردیدہ بود. شادروان بدخشی بخش مقدمہ دفاعیہ را بدفاع از طریقہ اسماعیلیہ منحیث فرقہ از دین مقدس اسلام ومحترم بغلانی بخش جزایی را در روشنی قوانین نافذہ آنوقت ترتیب نمودہ بودند کہ در جلسہ قضایی توسط ( سیدنورالدین رونق نادری) قرائت گردید و مسیر جریان دوسیہ را تغیر داد. محترم بغلانی کہ قبل از ( سید منصور نادری و برادرانش) از حبس رہا گردیدہ بود بہ ادامہ حمایہ و ہمکاریہایش در محکمہ استیناف منحیث وکیل مدافع شخصاً اشتراک ورزید.

فشرده اینکہ از اثر این کمک و حمایہ و دفاع بدخشی از اسماعیلیان بود کہ یکتعداد از روشنفکران و افراد با نفوذ این طریقہ با او ارتباط و مناسبات تأمین نمودند کہ میتوان آنها را بدو گروہ تقسیم کرد: دستہ اول آنہایی بودند کہ عضویت ( جریان سیاسی) او را پذیرفتند، ولی گروہ دوم شخصیت های را شامل میشد کہ عضویت جریان سیاسی او را حاصل نکردند اما در صف

متحد و علاقه مند باو موقف گرفتند که با اندوه فراوان تعدادی از یاران سیاسی و تعدادی از علاقه مندان و متحدین اش در دوران حاکمیت حفیظ الله امین یکجا در کنار هم به شهادت رسیدند. از آن شمار میتوان از سیدنورالدین رونق نادری از بغلان و وکیل خدای بپردی از شغنان بدخشان نامبرد. بخاطر جلوگیری از طولانی شدن کلام درینجا بقرائت یک بخش از یادداشت ( بدخشی ) که در 27 اپریل سال 1969 م در مورد ( عدیم ) شغنانی نوشته اند و میبایست که در بخش مقدمه کتاب " اشک حسرت " مجموعه اشعار و غزلیات ( عدیم ) نشر میشد اما عمداً حذف شده است. اکتفاء مینامیم:

" زیاده از پا نزده سال است که گوینده این اشعار را می شناسم. شاهد " تکفیر " ، " حبس " و " تبعید " آن از طرف ستمگران : مذهبی، ملی و طبقاتی بودم که در همه گیرودار ها مانند پیشوایش آواره یمگان ( ناصر خسرو )، صبور، متحمل و پیگیر بود. همیشه به استعداد طبعی، ذکاوت و حافظه فوق العاده و طبیعت شاعرانه این زاده کهنسار منزوی شغنان و فرزند دامنه پامیر، حسرت خورده ام که دریغ محیط اجتماعی نداشت و گرنه یک شاعر بزرگ ملی میشد..."

#### منابع :

- 1- "اشک حسرت" مجموعه اشعار و غزلیات "عدیم".
- 2- " اتهامات نا بهنگام" اثر سید شاه ناصرالحسینی النادری .
- 3- " سیر تفکر ملی درافغانستان.
- 4- "با زندگی مشقتبار ولی پربار" عدیم" آشنا شوید" مقاله ی تحقیقی محترم نصیرالدین "پیکار"
- 5- مکالمه تلفونی با محترم "محمد بشیر بغلانی".
- 6- خاطرات استاد محترم کرم علی شاه.